هوالله - يا امة البهآء نامه شما قرائت گرديد ولی متحيّر…

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



## ٢٢٤

### هوالله

يا امة البهآء نامه شما قرائت گرديد ولی متحيّر ماندم از مضمون آن زيرا ميدانی که من چقدر به دشمنان خود مهربانم و به بدخواهان خيرخواه و دريای صبر من چقدر وسيع است و کوه حلم من چقدر عظيم جميع دشمنان شهادت ميدهند که در جهان ظلم ظالمان را در حقّ خود مانند عدل شمردم و سمّشان را شهد دانستم و تيغشان را مرهم انگاشتم و دشنام و لعنشان را مدح و ستايش پنداشتم ولی اين صبر و تحمّل را در مقابل نفوسی که اذيّت و جفا به خود من نمودند مجری کردم ولی اگر کسی دين الهی را خراب نمايد و اساس بنيان بهآءاللّه را از شدّت حسد براندازد و سبب تفريق گردد و علّت اختلاف شود و بر عناد برخيزد و هزار افترا بزند آيا بايد حمايت او کرد و رعايت او نمود و صبر و حلم نمود تا به کلّی اساس دين الهی را از بيخ براندازد؟ لا واللّه. من از ميرزا بديع‌اللّه مکدّر نيستم که مرا اذيّت کرد و مرا سبب حبس جديد شد و در حقّ من فساد نمود و اعضاء حکومت عکّا را از من مکدّر نمود، بلکه از او مکدّرم که مخالفت دين اللّه کرد و نقض عهد و ميثاق نمود و محرّک فساد در امر اللّه گشت بعد از صعود جمال مبارک به نهايت حسد قيام نمود و به هر اذيّتی برخاست و با برادرش ميرزا محمّد علی متّفق شد که در اطراف در حقّ من افتراها انتشار داد و فسادهای عظيم نمود من صبر کردم تحمّل نمودم بعد از مدّتی پشيمان شد و خود را در خسران مبين يافت آمد توبه نمود و اقرار بر خطا کرد و اعلان نمود که ميرزا محمّد علی او را اضلال نمود و گمراه کرد و ميرزا محمّد علی تحريف کتاب الهی نمود و به جميع قوّت نقض ميثاق ربّانی کرد و او را بر مخالفت مجبور نمود و انتشار داد و آن رساله در امريکا ترجمه شد و يک نسخه ارسال ميگردد ملاحظه نمائيد اين مسجون باوجود آن افتراها و اذيّتهای گوناگون او به کلّی فساد و ظلم و طغيان او را فراموش نمودم باز با نهايت محبّت معامله کردم و جميع احبّا را به درجه‌ای به محبّت او خواندم که او را طواف نمودند و دست و پا بوسيدند ولی هر مرضی را علاجی و هر دردی را درمانی مگر مرض حسد را که ابداً درمانی ندارد و هيچ محبّت و وفائی ثمر نبخشد.

باری جميع ديون او را با کمال زحمت و مشقّت ادا کردم بلکه ديون خود را گذاشتم و ديون او را دادم و از هر جهت اسباب راحت و خوشی از برای او فراهم آوردم ولی چه فائده که حسد دوباره غليان آمد سه ماه از رجوع او نگذشت که باز دوباره خفيّاً با محمّد علی مصالحه نمود و عقد مودّت بست و والده خودشان را واسطه صلح نمودند و جميع اسرار امر اللّه را و حرکات و سکنات و مکالمات من و احبّا را و اخبار اطراف را در نصف شب به ميرزا محمّد علی ميداد باوجود اين من تحمّل و سکوت مينمودم تا آن که بنا نمود که بعضی از ضعفا ايمان را به ايما و اشارت از من مکدّر کرد و خواست به لطائف الحيل حزب مخصوصی به باطن ناقض عهد و به ظاهر ثابت تشکيل نمايد و اسباب تفريق عظيم شود و جميع ارکان حکومت را نيز دشمن من نمود و جميع را تحريک کرد يعنی کلّ را به لطائف الحيل از من محزون و مکدّر نمود و به اين سبب مرا در اين سجن در تحت مراقبه انداخت و سبب شد که راه مسدود شد و جميع احبّاء اللّه را محزون کرد باوجود اين شب و روز در اندرون بود و اخبار به بيرون ميداد و مادام تنبلتو[^1] را سرّاً از حيفا به خانه خود و ميرزا محمّد علی دعوت نمود و مادام تنبلتو را تعليم نموده که رساله‌ای در مذمّت و قدح من مرقوم نمود و از او ستايش کرد و آنچه خواستم که يک دفعه مادام تنبلتو را ملاقات نمايم نگذاشت بلکه آنچه توانست پيش او افترا به من زد حال مادام تنبلتو ميخواهد آن رساله را طبع و نشر نمايد آن وقت خواهيد دانست که ميرزا بديع‌اللّه چه رخنه‌ای دوباره در امر نمود. {id="blth" type="par" language="fa"}
[1]: **Rosamund dale ==Rosamund Temleton**

ای امةاللّه من با ميرزا بديع‌اللّه کلفتی ندارم و از فساد او نسبت به من شکايتی نخواهم آنچه از پيش کرد عفو نمودم و فراموش کردم و بالعکس با نهايت مهربانی معامله نمودم ولی او را مقصدی ديگر بود دوباره از حالت اوّل بدتر به اموری تشبّث نمود که به کلّی اخلاق عمومی را افساد ميکرد و حزبی تشکيل مينمود که جميعاً مزوّر و محيل و منافق و پرتزوير به ظاهر اهل بهاء به حقيقت شياطين دين اللّه را از بيخ ميانداخت و به کلّی شريعت اللّه را فاسد ميکرد و جميع زحمات را هدر ميداد چون رساله مادام تنبلتو و حرفهای او را بشنوی ميفهمی که ميرزا بديع‌اللّه چه کرده و چه ميکند حال ممکن است که باوجود اين نيّت و مقصد ميرزا بديع‌اللّه را در آغوش خود بپرورانم تا آنچه ميخواهد بکند و به کلّی دين اللّه در خطر عظيم افتد اگر شما به اين راضی ميشويد و احبّا از اين خوشنود ميشوند من حرفی ندارم به روح بهآءاللّه قسم ميرزا بديع‌اللّه اگر ضرر به جان من ميرساند و ضرّش به امر نميرسيد و در فکر تأسيس حزبی مخالف نبود من در مقابل جفای او وفا مينمودم و احسان ميکردم و ابداً به لسان نميآوردم و تو ميدانی که من چقدر صبور و حليمم ولی چه کنم که ضرر او به امر اللّه ميرسد. چون رساله تنبلتو را ملاحظه نمائی خواهی فهميد باوجود جميع اين امور من با ميرزا بديع‌اللّه حتّی عتاب نکردم گفتم ای برادر مشرب من ديگر و مشرب شما ديگر باهم نميسازد لهذا معاشرت سبب کلفت است بهتر اين است که تو به حال خود باشی و من به حال خود ولی در معاونت تو ابداً کوتاهی ننمايم آنچه از دست من برآيد مجری ميکنم قصور ننمايم و حال در فکر آنم که به هر وسيله باشد قرض بنک او را مانند قسطهای سابق که دادم باز اين قسط را که حال استحقاق پيدا کرده بدهم من به اين درجه مهربانم ولی چه کنم که حسد او و برادرش را هلاک نموده است و دين اللّه را فساد نموده و مينمايند ملاحظه کنيد که ميرزا بديع‌اللّه به خط خودش مرقوم نموده و طبع کرده و نشر داده که ميرزا محمّد علی تحريف کتاب اللّه نموده يعنی عبارت کتاب اللّه را برداشته و عبارت ديگر نگاشته و نسبت به جمال مبارک داده باوجود اين اعلان دوباره با او عقد مودّت پيوسته و صلح نموده همين کفايت است که چقدر از صدق و انصاف دور است و السّلام\*\*.\*\* ع ع

